

## بسم الله الرحمن الرحيم

### نامنی‌های سیل آسا و خفه نمودن دولت‌ها در استخر دموکراسی

(ترجمه)

اصحاب رسانه، سیاستمداران و مردم، پی در پی در رسانه‌ها، وسایط نقلیه و جاهای دیگر، گفتگوی‌هایی را در مورد کشته شدن یک دانشجو و راه چاره اسلامی در دانشگاه‌ها، رد و بدل می‌نمایند؛ در حالی که این اولین حادثه از نوع خود نبوده و در زیر چتر نظام‌های دیموکراتیکی که در به بازی گرفتن زندگی، امنیت، راه‌حل مشکلات و معیشت مردم بی‌نهایت اضافه روی می‌نماید. آخرین مورد آن هم نخواهد بود. حوادث سرقت گوشی‌ها توسط موتورسیکلت‌های بدون پلاک، تهدید و غارت مردم، جیب‌بری‌ها در وسایل نقلیه عمومی و حتی تهدید افراد در داخل خانه‌های شان، ایجاد نهایت و حشت و ارباب در میان خانه‌های مسکونی، سرقت اموال مردم و همان‌طور حمل سلاح سفید (چاقو) توسط بسیاری از جوانان، به ویژه دانشجویان مدارس و دانشگاه‌ها؛ قضایا و حوادثی اند که حیات مردم را به خطر مواجه ساخته، پلیس را مجبور نموده تا برای جمع‌آوری موتورسیکلت‌ها اقدام کند. جدای از این که برخی از مردم مجبور شدند موتورسیکلت‌های خویش را در خیابان‌ها علناً بسوزانند. حال پرسش این است که آیا این حوادث در قلب پایتخت، برای نابودی دولت طرح ریزی شده است و یا یک واقعیت عادی مربوط به اقدامات فردی می‌باشد؟

چند سال پیش در ارتباط به برنامه ریزی‌های استراتژیک، برخی از مراکزی ایجاد شد که قضایای "پس از انقلاب‌های بهار عربی" و واکنش‌های ناشی از آن را مورد بحث و مناقشه قرار می‌داد، به ویژه در مصر، یمن، سوریه، لیبی و تنش‌هایی که تونس با آن روبرو بود؛ تا جای که در این میزگردها، نوشته یوری بیزمینوف مأمور سابق KGB در مورد چگونگی نابودسازی یک دولت، بدون شلیک یک گلوله! و چگونه براندازی، نابودی، بی‌جاسازی و حاکمیت بر ملت‌ها، مورد بحث و مناقشه، قرار می‌گرفت. اما آنچه که اکنون جلب توجه می‌کند شباهت نزدیک روند نابودی دولت، با حوادثی است که پس از تغییر 11 ابریل 2019 در سودان در حال وقوع است. طوری که مراحل نابودی با آنچه که کارشناسان استراتژیست، متفکران و سیاستمداران، ابراز می‌کنند، مطابقت داشته و تئوری چهار مرحله‌ای فروپاشی یک دولت و از بین بردن انسجام آن، در حال تطبیق شدن است. مرحله سوم آن که مرحله‌ای با یک دوره کوتاه مدتی است که به نام مرحله "بحران" نامیده می‌شود، از دو ماه به شش ماه، ممکن بیشتر، طول می‌کشد. در این مرحله: هرج و مرج سیاسی، زدوخوردهای ناشی از نامنی، جنگ‌های داخلی گسترش می‌یابد، نهادها و سازمان‌های دولتی؛ مانند ارتش، پلیس و محاکم تضعیف شده، قانون زیرپا می‌شود. در کنار افزایش قیمت‌ها، نبود خدمات ضروری و تأمین نیازهای اولی، شیوع سریع فقر در جامعه، سیستم‌های اداری فروپاشیده، دولت آماده نابودی می‌شود. اگر ما این روند را روی قضایای که اکنون در سودان در حال اتفاق افتیدن است، بگذاریم، آن وقت متوجه خواهیم شد که این سناریو و طرح در مراحل پایانی خود است و هشدار می‌دهد که سودان به عنوان یک دولت در سمت پرت شدن در دره‌ای عمیقی روان است و این که این یک موضوع بسیار روشن بوده، نیاز به هیچ گونه بررسی و مناقشه ندارد.

از آن‌جایی که امنیت یکی از نیازهای اساسی جامعه بوده و یکی از اولویت‌هایی است که مردم به آن نیاز دارند و دولت مکلف است آن را تأمین کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم، همان‌طور که در الادب المفرد، در صحیح بخاری و سنن ترمیزی آمده است، چنین می‌فرماید:

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ مُعَافًا فِي جِسْمِهِ عِنْدَهُ طَعَامٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا» (رواه ترمیزی و ابن ماجه)

ترجمه: کسی که روزاش را در حالی آغاز کند که در مسیر زندگی و رفت و آمدهایش امنیت داشته باشد، در جسم خود بیماری‌ای نداشته باشد، سالم باشد، خوراک روزش را هم داشته باشد، وی مثل کسی است که همه‌ی دنیا را دارد.

نیز از انس بن مالک در الادب المفرد بخاری روایت است که وی می‌فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم، بهترین و زیباترین مردم، جوانمردترین مردم و شجاع‌ترین مردم بودند؛ مردم مدینه در شبی دچار وحشت شدند، مردم به سمت صدا به راه افتادند، پیامبر، در پیشاپیش مردم به سمت صدا روان بوده می‌فرمودند: «لَنْ تُرَاعُوا لَنْ تُرَاعُوا/هرگز نترسید هرگز نترسید.» در حالی که وی صلی الله علیه و سلم شمشیر به گردن داشته، سوار اسبی بود از ابی طلحة که آن اسب برهنه بوده و پالان نداشت و سپس می‌فرمودند: «لَقَدْ وَجَدْتُهُ بَحْرًا. أَوْ: إِنَّهُ لَبَحْرٌ/من آن را دریا یافتم و یا آن صدای دریا است».

اسلام مشتاقانه به دنبال ایجاد امنیت، آرامش و ثبات ذریعه احکام شرعی می‌باشد. اسلام جلو کسانی که امنیت و ثبات مردم را مخدوش می‌سازند، مانع می‌گذارد. بنا براین: دست دزد را قطع می‌کند. حق سبحانه و تعالی چنین فرموده است:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (سوره مائده: آیه 38)

ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و بدانید که الله (سبحانه و تعالی) توانا و حکیم است.

اسلام برای تأمین امنیت و بازگرداندن ثبات مردم، دولت به مبارزه و پیکار مکلف ساخته است؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (سوره مائده: آیه 33)

ترجمه: کیفر آن‌های که با الله و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و در روی زمین اقدام به فساد می‌کنند، فقط این است که اعدام، یا به دار آویخته شوند، یا دست و پای آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمینی که در آن قرار دارند، تبعید شوند. این رسوایی و ذلت آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

بلی، این راهکار حفظ وحدت سرزمین و دولت بوده، بهترین تأدیب و انضباط دهی برای کسی است که در برابر دولت یا قانون خروج می‌کند. بنابراین درمی‌یابیم که احکام اسلام بزرگ، ذریعه راهنمایی‌ها و قوانین زیبایی‌ها، از امنیت مردم پاسداری می‌کند. چنانچه تقوای را اساس و مبنای پایبندی به احکام قرار داده است و گفته مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست آن در امان باشند؛ اگر مسلمانی به تقوای ملتزم نبود، در آن وقت اسلام برایش مجازات‌های در نظر دارد که دولت حتماً به اجرایی آن می‌پردازد. ضرب المثل مشهوریست که "امنیت آبرو و حیثیت سلطان می‌باشد." در اواخر خلافت عثمانی یک خانواده مسیحی دختر خود را گم، چادر برپا کرده و در غم و اندوه آن نشسته بودند، که شب هنگام، کسی دروازه شان را کوبید

و دخترشان به همراه پلیس کشیک شبانه‌گاهی وارد شد! آن‌ها از بازگشت دخترشان بسیار خوشحال شده و از آن گروه پلیس تشکر کردند. پلیس به آن‌ها این را فهمانده گفت از ما تشکر نکنید، زیرا امنیت دختر شما آبرو و حیثیت سلطان است. بلی در سایه دولت مسلمانان یعنی خلافت، امنیت از چنین اهمیتی برخوردار است.

بدون شک اسلام مشکل امنیت را به بهترین شکل آن حل ساخته و دولت را موظف کرده است تا هرآن‌چه را می‌تواند برای تأمین امنیت مردم انجام دهد، اما دولت انتقالی سکولاری برای حل مشکلات خود بسان نایبانی در شبی تار دست و پا زده و بحران‌ها یکی پس از دیگری حلقوم‌اش را فشار می‌دهند، چنان‌چه در عوض حل درست مشکل این موج سیلا‌آسای نامنی، سلاح‌های سفید را جمع‌آوری نموده و موتورسیکلت‌های مردم را توقیف و مصادره می‌کند، با آگاهی این‌که این اقدامات قبلاً در چندین شهر از جمله شهر نیالا در دارفور و جاهای دیگر اعمال شده و مشکل هم‌چنان در حال بدتر شدن است.

### عوامل این بحران امنیتی را می‌توان در دو نکته خلاصه کرد:

1- فقدان مفکوره حفظ امنیت در نزد دولت؛ نظام سرمایه‌داری تحمیل شده در کشور برسر یک پارچه نان کشمکش راه انداخته است، هریک می‌گوید من باید آن را به دست بیاورم نه تو. نظام سرمایه‌داری درمیدان زندگی رقابت‌های راه اندازی نموده است، که در آن تمام ارزش‌ها به معامله گرفته شده و فروخته می‌شود، بلکه حتی ذریعه ارتش‌ها و سازمان‌های اختاپوسی خویش؛ مانند سازمان‌های بریتون وودز، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی، بسان روی در یای سرخ، بالای سرزمین‌های مان رقابت استعماری راه انداخته اند؛ چیزی که بی‌ثباتی را در پی داشته و بی‌بندوباری امنیتی را ایجاد نموده است. این سیاست آمریکا در جهان است که برای تأمین منافع خود به ایجاد هرج و مرج می‌پردازد.

2- افزایش شبه نظامیان مسلح در داخل پایتخت با سلاح‌ها و رهبری‌های جدا از دولت، چیزی که نتیجه توافقی‌نامه‌های منعقد شده صلح با جنبش‌های مسلح بوده، یک تهدید امنیتی را شکل و از درگیری‌های بسیاری هشدار می‌دهد، مانند درگیری بالفعل منطقه بری. روزنامه الجریده، به تاریخ 2021/3/19 گزارشی را به نشر رساند که در آن فرمانده محمد علی قریشی، رئیس جبهه سوم (تمازج)، که توافق نامه صلح جوبا را امضا کرده است، جزئیات این درگیری را با یک گروه که خود را با "تمازج" نسبت می‌دادند، چنین بیان می‌دارد: ذریعه نیروی‌های تمازج به آن گروه حمله شد، در میان آنان افرادی بودن که لباس نظامی بر تن داشتند؛ وقتی سوال شد که چرا با آن‌ها درگیر شدید، آیا این اقدام تان از وظایف پلیس نیست؟ وی گفت که پلیس و استخبارات تأخیر نمودند، لذا نیروها برای حل و فصل قضیه وارد عمل شدند (چیزی که باعث هرج و مرج و وحشت مردم بود). وجود چندین جبهه شبه نظامی در یک کشور یک خطر امنیتی بزرگ است. اما در اسلام اصل این است که قدرت واحد باشد. وظیفه امنیت داخلی را با تمام تفصیلاتی که در پیش‌نویس قانون اساسی دولت خلافت که توسط حزب التحریر تهیه شده، بیان شده است. ارتش و پلیس که جزء آن است، بر عهده دارد. در ماده (70) این قانون چنین آمده است: "ارگان یا دستگاه امنیت داخلی عبارت از اداره‌ای است که تمام امور مربوط به امنیت را رهبری و از هر آن‌چه که امنیت داخلی را تهدید می‌نماید، جلوگیری بعمل می‌آورد. امنیت را در تمام قلمرو دولت اسلامی توسط پولیس تأمین و جز به فرمان خلیفه به ارتش متوسل نمی‌شود، رئیس این ارگان "مدیر امنیت داخلی نامیده می‌شود". این ارگان دارای شعبات فرعی ولایتی بوده که بنام ادارات امنیت داخلی یاد می‌شوند و رئیس هر اداره ولایتی آن بنام فرمانده پولیس ولایت مربوطه‌اش یاد می‌گردد".

اگر اوضاع به همین منوال تداوم یابد و مردم بر اساس اسلام برای تغییر واقعی حرکتی نکنند، بی‌تردید نقشه‌های کفار در سرزمین‌های اسلامی یکی پس دیگر تطبیق، برای شان نتیجه بخش بوده و این سرزمین از هم گسیخته را باردیگر نیز متلاشی خواهد ساخت. هیچ راهی گریزی از منجلاب این هرج و مرج ها به جز گرفتن دامن نظام اسلام وجود ندارد، نظامی که آن را دولت خلافت راشد که به زودی برپا خواهد شد، تطبیق خواهد کرد؛ در آن زمان است که به خلیفهٔ مسلمان گفته می‌شود: "باعدالت حکومت کردی، سپس امنیت را تأمین و آسوده خوابیدی".

**نویسنده: استاذ ابراهیم مشرف**

**عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سودان**

**مترجم: علی مطمئن**